

موضوع‌شناسی پول و جایگاه آن در احکام فقهی کاهش ارزش پول^۱

حجه الاسلام علیرضا امینی*
حجه الاسلام عباس سماواتی**

چکیده

کاهش ارزش پول پدیده مهم و مؤثری است که ادامه و شدت آن در اقتصاد ایران آثار نامطلوب و ناعادلانه‌ای در روابط پولی (به‌ویژه درازمدت) گذاشته است. نظریه‌های فقهی موجود که برای پول با ماهیت گذشته و حالت ثبات نسبی ارزش آن ارایه شده است، پاسخ‌گوی نیازهای واقعی در این وضعیت نیستند.

بررسی تحلیلی وظایف پول نشان می‌دهد که مقدار ذخیره ارزش نیز جزء وظایف آن است و نظریه قدرت خرید درباره ماهیت پول به‌دلایلی ترجیح دارد. در این مقاله ضمن تأکید بر نقطه عطف تغییر ماهیت پول در مرحله سوم خلق پول کاغذی و مقایسه آن با پول فلزی صدر اسلام مشخص شده که پول اعتباری محض، به‌خصوص در وضعیت کاهش شدید و مستمر ارزش پول، پدیده‌ای مستحدثه است و احکام فقهی و حقوقی جدیدی می‌طلبد تا اطمینان و امنیت بیشتری در تمام روابط پولی حاصل شود.

۱- تاریخ دریافت: ۸۶/۹/۱۴؛ تاریخ تأیید: ۸۶/۱۱/۲۱.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد؛ -ali-r-
. amini@hotmail.com

** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری؛ Samavatiabbas@yahoo.com

صاحب پول ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید را طبق یک معامله شرعی و عقلایی به دست آورده و خواستار حفظ کامل این ارزش مبادله‌ای است. اما در حالت کاهش ارزش پول - نه گرانی و افزایش قیمت برخی کالاها - این ارزش از دست وی خارج می‌شود؛ از این رو لازم است برای نظریه‌پردازی جدید که ملتزم به حفظ اصول و قواعد فقهی است، این موضوع، بازشناسی و تغییرات اساسی که می‌تواند موجب تغییر برخی احکام فقهی پول شود، با روش تحلیلی تبیین گردد.

واژگان کلیدی: پول، کاهش ارزش پول، تحول پول، وظایف پول، دیدگاه قرآنی و احکام پول.

طبقه‌بندی JEL :

E31 و E53 .

مقدمه

«پول» نقش بی‌بدیل، شگفت‌آور و اساسی در اقتصاد دارد و می‌توان گفت مهمترین عامل در نظام مالی، پول و احکام فقهی و حقوقی آن است. نکته مهم در این باره، تغییر و تکامل تدریجی پول و تحولات آن است که می‌تواند سبب تغییر برخی احکام فقهی پول شود. «کاهش مستمر و قابل توجه ارزش پول» آثار مهم و گسترده‌ای در اکثر مبادلات اقتصادی و مالی دارد. این کاهش و به‌عبارت دقیق‌تر نوسانات ارزش پول از قدیم وجود داشته، اما نه بدین شکل و با این سرعت و حتی غیرقابل برگشت و این به‌دلیل تغییراتی است که در موضوع «پول» به‌وجود آمده است.

تورم بالا در برخی از جوامع اسلامی دو رقمی شده است و این تورم و کاهش ارزش پول در برخی احکام ابواب فقهی نظیر خمس، معاملات مدت‌دار، دیون معوقه، مهریه، قرض (ربا) و ضمان تأثیر زیادی دارد. کاهش سالیانه و حتی ماهیانه ارزش پول به‌گونه‌ای است که در برخی مواقع مانند مهریه پرداخت نشده و دیون معوقه با مدت طولانی، ادای دین تا حد یک هزارم ارزش اولیه یا کمتر کاهش می‌یابد. در چنین حالتی آیا ادای بدهی (مهریه و...) مطابق با مبلغ اسمی اولیه، موجب برائت ذمه می‌شود؟ اینها نکاتی است که اهمیت پژوهش در این موضوع را ثابت می‌کند.

سؤالات اساسی در این زمینه عبارتند از: آیا گوهر اصلی در ماهیت پول، قدرت خرید است؟ یا ارزش اسمی و ظاهری آن؟ آیا مقدار نخیره ارزش نیز در جزء وظایف پول است؟ آیا پول امروزی، پدیده‌ای مستحدثه ۱ است؟؛ و بهترین تعریف

۱- هر پدیده‌ای که به‌گونه‌ای موضوع یا متعلق حکم فقهی قرار گیرد و درصدر اسلام وجود نداشته باشد، مستحدثه محسوب می‌شود؛ ر.ک: ربا و تورم، ص ۸۶.

برای ماهیت پول با توجه به این بررسی‌ها چیست؟

البته لازم است با رویکرد نو و قالب و الگوهای ذهنی جدید نسبت به موضوع و همچنین با برخورداری از چشم‌انداز چند بعدی^۲ که عمق روابط و تناسب اجزا را در یک مجموعه مورد دقت قرار می‌دهد، دوباره این موضوع بررسی شود. یعنی در این پژوهش از زاویه موضوع‌شناسی مجدد پول، برای ارزیابی تأثیر آن در احکام فقهی کاهش ارزش پول تحقیق می‌کنیم و لذا لازم است مصادیق جدید پول تا حدی که تأثیرگذار در احکام فقهی است به‌طور کامل شناخته شود.

فرضیه پژوهش: در این مقاله ثابت می‌شود که مقدار ذخیره ارزش جزء وظایف پول است، بر این اساس و به‌جهت ادله دیگر، گوهر اصلی در ماهیت پول، قدرت خرید است. پول امروزی تفاوت‌های زیادی با پول دوران معصومین(ع) دارد بنابراین برخی احکام فقهی آن، به‌ویژه در حالت کاهش شدید و مستمر ارزش پول، نیازمند بازنگری است.

روش و مبنای تحقیق: ما در این مقاله در قسمت موضوع‌شناسی پول و پدیده مهم کاهش ارزش پول، با روش تحلیلی(بررسی رفتارهای عرف) از نگاه نیازهای احکام فقهی، به بازشناسی پول و تحولات مهم آن پرداخته و پول را پدیده‌ای عرفی دانسته که به‌وسیله عرف و عقلا وضع و اعتبار می‌شود و در طول زمان براساس شرایط و مقتضیات زمان و مکان، دچار تغییر و تحول می‌شود.

سامان‌دهی مقاله به‌صورت زیر است: بخش اول به ادبیات موضوع شامل: تعریف اجمالی «کاهش ارزش پول»، نمودار سیر صعودی تکوین و تغییر پول و توضیح برخی مراحل آن اختصاص دارد، بخش دوم درباره تورم، تبعات کاهش ارزش پول و عکس‌العمل عرف است. بخش سوم به بحث درباره بررسی تحلیلی وظایف و ماهیت پول، مثالی یا قیمی بودن پول، نظریه ارزش اسمی و نظریه قدرت خرید درباره ماهیت پول می‌پردازد.

در بخش چهارم شباهتها و تفاوت‌های پول فعلی و پول صدر اسلام، مستحدثه بودن پول اعتباری محض، تعریف منتخب برای ماهیت پول، جمع‌بندی و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه می‌شود و در پیوست نیز ضرورت ثبات در وسایل سنجش ارزشهای اقتصادی از نظر قرآن تبیین شده است.

۱. ادبیات موضوع

این بخش اهمیت ویژه‌ای دارد چون شناسایی کامل موضوع «پول» و ویژگی‌ها و عوارض و کارکردهای جدید آن نقش تعیین‌کننده‌ای در احکام فقهی آن دارد. قبل از آن لازم است به دو نمونه از نوشته‌های موجود در این زمینه اشاره‌ای شود:

«داودی و...» (۱۳۷۴) مسائل مربوط به پول و بانکداری و برخی احکام فقهی پول را بررسی و با روش تحلیلی اقتصادی متأثر از مبانی ارزشی و حقوقی اسلام، مسئله کاهش ارزش پول را مطرح نموده و معتقدند چون مقدار ذخیره ارزش جزء وظایف پول نیست و همچنین به دلیل اینکه موضوع و مقوم تثلیث در پول، ارزش اسمی آن است نه قدرت خرید پول، در نتیجه کاهش ارزش پول هیچ نوع ضمانتی ندارد.

«میرجلیلی» (۱۳۸۴) با روش تحلیلی و تطبیقی، ضمن پذیرش برخی مشکلات کاهش ارزش پول، جبران کاهش ارزش پول از طریق شاخص‌بندی را دارای اشکالات فقهی و اقتصادی می‌داند و سرانجام راه حل رفع مشکل کاهش ارزش پول را ثبات قیمت‌ها می‌داند.

اشکالات این مقاله عبارت است از: نخست، موضوع‌شناسی پول و پدیده کاهش ارزش پول و تبعات فقهی و اقتصادی و عکس‌العمل عرف را به خوبی مطرح نمی‌کند؛ دوم، کاهش مستمر و شدید ارزش پول را چیزی شبیه نوسانات خفیف پولی زمان شارع می‌داند؛ سوم، با وجود تغییر و تحولات زیاد پول در دوران گذشته، تفاوت‌های زیاد بین پول فلزی و پول اعتباری محض را مطرح نکرده یا نمی‌پذیرد و پول کنونی را پدیده‌ای مستحدثه به حساب نمی‌آورد؛ چهارم، درست است که راه حل اقتصادی کاهش ارزش پول ثبات قیمت‌ها است، اما سؤال این است

که اگر تورم ادامه و شدت یافت، راهحل فقهی برای رفع پیامدهای نامطلوب کاهش ارزش پول چیست؟ وی به این سؤال پاسخ نمی‌دهد.

۱-۱. تعریف اجمالی «کاهش ارزش پول»

مقصود از ارزش پول همان مالیت پول است. پول اعتباری ارزش استعملی ندارد و ارزش مبادله‌ای دارد. ارزش مبادله‌ای از این جهت است که آن شیء (پول) دارای ارزش مبادله‌ای را می‌توان با کالاهای با ارزش معاوضه نمود. استاد مطهری درباره منشأ ارزش پول می‌گوید: «قابلیت پول برای اینکه به وسیله آن کسب اموال دیگر شود، صفتی است که موجب ارزش پول شده است. درست است که ارزش بالذات برای بدل است، ولی وجود همین استعداد تبدیل در پول، موجب ارزش پول است؛ یعنی صاحب پول از همین خاصیت پول منتفع می‌شود؛ همان‌طور که صاحب بذر از استعداد بذر منتفع می‌شود و استعداد و ارزش آن، ملاک مالیت پول و بذر است» (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۱۷۷).

پس اگر این استعداد (قابلیت مبادله با کالاها و خدمات) در پول از بین برود، پول کاملاً بی‌ارزش می‌شود. در پول کاغذی و اسکناس، ماده فیزیکی هیچ‌گونه فایده مصرفی ندارد؛ قدرت خرید، همان ارزش مبادله‌ای عام در پول است که همان مالیت پول است (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۷۲). خلاصه مطالب فوق عبارت است از: ارزش مبادله‌ای عام پول کاغذی مساوی است با قدرت خرید پول و این نیز مساوی است با مالیت پول؛ در ادامه توضیح بیشتری درباره مالیت پول ارائه می‌شود.

ارزش مبادله‌ای پول دو نوع است: نخست، ارزش مبادله‌ای اسمی؛ دوم، ارزش مبادله‌ای حقیقی. ارزش مبادله‌ای حقیقی، ارزش پول با در نظر گرفتن قدرت خرید آن است. بنابراین منظور ما از کاهش ارزش پول، کم شدن قدرت خرید آن در طول زمان است.

نکته مهم در اینجا این است که پول یک میزان و ملاک مقبول عام برای ارزش‌سنجی تمام کالاها و خدمات است؛ چنانچه یکی از اقتصاددانان معاصر می‌گوید: محاسبات اقتصادی بنگاه و بازار براساس پول صورت می‌گیرد، قیمت‌ها که مبین روابط بین کالاها و خدمات از یک طرف و پول از طرف دیگرند، شدت و حدت

کمیابی‌ها و مطلوبیت محصولات را می‌نمایانند و بر این اساس، ارزش آنها را نشان می‌دهند (منتظر ظهور، ۱۳۵۳، ص ۹۷).

بنابراین مهمترین ویژگی پول که باید مورد تأکید قرار گیرد حالت ثبات ارزش پول است. چون خود پول ملاک و محور سنجش تمام ارزشهای اقتصادی قرار گرفته است و مردم براساس اعتماد به آن تمام روابط مالی کوتاه‌مدت و درازمدت خود را با آن انجام می‌دهند.

۱-۲. سیر تغییر پول و توضیح برخی مراحل آن

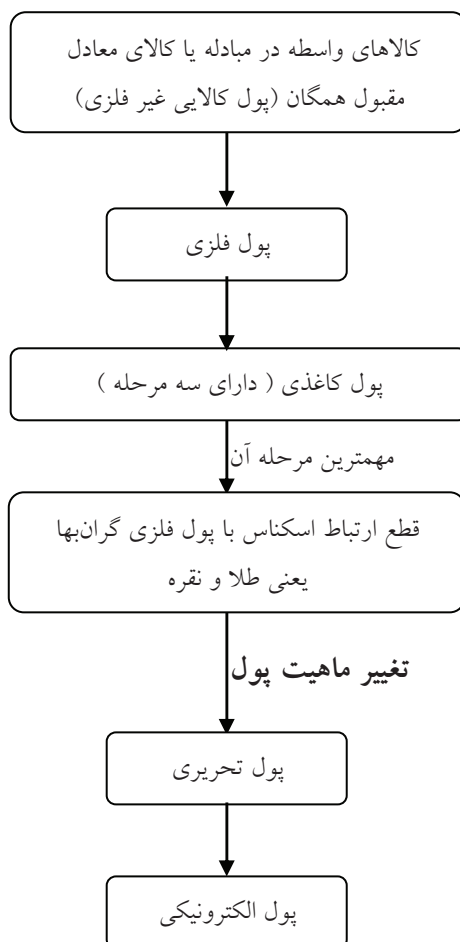
پول درگذر زمان براساس نوع نیاز انسان به آن و تحولات اجتماعی و اقتصادی جوامع، تغییرات مهمی نموده است. لذا برای درک درست از ماهیت پول، شناسایی پیشینه و تغییرات تدریجی آن، آگاهی از مراحل خلق پولهای کاغذی و مقایسه آنها با پولهای فلزی صدر اسلام ضرورت دارد.

از ابتدای ابداع پول توسط بشر، سرعت، امنیت و آسانی مبادلات و نقل و انتقالات پولی و کالایی همواره مدنظر بوده است و هر زمان وسیله‌ای بهتر و مناسب‌تر برای این منظور پیدا می‌شد، این وسیله یا پول جدید جایگزین پول قبلی می‌شد یا به کمک آن می‌آمد. بنابراین تحول و تکامل پول از ابتدا وجود داشته و همچنان نیز ادامه دارد. ابتدا نمودار به وجود آمدن پول و سیر تکامل آن را ترسیم نموده و سپس به توضیحاتی کوتاه درباره برخی مراحل آن می‌پردازیم:

۱-۲-۱. مراحل تغییر پول کاغذی

الف. رسیده‌ها یا حواله‌هایی قابل تبدیل به سکه؛ در این مرحله، رسیده‌ها و حواله‌ها صرفاً سند و رسید پول بودند نه پول؛ ب. رسیده‌هایی بی‌نام و با مقادیر مشخص به‌عنوان حواله و رسید سکه، اما به اندازه این سکه‌ها و حواله‌ها، سکه موجود نبود، در نتیجه این امر، اعتماد مردم به اسکناسها کاهش یافت و درباره اصل تضمین قابلیت تبدیل رسیده‌ها یا اسکناسها به طلا و نقره تردید ایجاد شد و مردم برای تبدیل اسکناسهای خود به پول فلزی به بانکها هجوم بردند و چون غالب بانکها توان پاسخ‌گویی به درخواست آنان را نداشتند، بحرانهای پولی پدید آمد (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۵۵).

نمودار ۱: سیر تغییر پول



- مهمترین مرحله: قطع کامل ارتباط اسکناس با پول فلزی و تغییر ماهیت پول
ج. در پی بحرانهایی که با انتشار فراوان اسکناس روی داد، دولتها که خود سبب بروز
بحران شده بودند، یکی پس از دیگری غیرقابل تبدیل شدن اسکناسها به طلا و نقره را
اعلام کردند. عدم تبدیل اسکناس به پول فلزی گران بها، حادثه بسیار مهمی در امور
تجارت به شمار آمد و تغییر عمده‌ای را در ماهیت اسکناس در پی داشت؛ زیرا عرف و
عقلا از آنجا که اسکناس را سند طلا و نقره می‌دانستند، آن را می‌پذیرفتند، ولی با این

تصمیم، رابطه بین اسکناس و طلا و نقره قطع شد، یعنی هیچ‌گونه تعهدی مبنی بر تبدیل اسکناس به فلز گران‌بها وجود نداشت؛ البته مانند قبل در مبادلات از آن استفاده می‌شد و مردم آن را [به تعبیری به ناچار] پذیرفتند؛ زیرا همین اسکناس، هم واسطه مبادلات، هم معیار سنجش و هم ذخیره ارزش سایر دارایی‌های مردم بود و عرف و عقلا از هر شی‌ای در جایگاه پول، بیش از این انتظار نداشتند (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۵۵-۵۶).

این نوع پول در واقع پول اعتباری محض بود، چون صرف‌نظر از اعتبار عقلا، صرف کاغذ پاره‌ای کوچک و رنگی هیچ‌گونه ارزش مبادله‌ای نداشت. این نوع پول، ماهیت جدیدی از پول است و با سکه طلا و نقره، تفاوت‌های مهمی دارد که در بحث شباهتها و تفاوت‌های پول صدر اسلام با پول کنونی به یادآوری آنها می‌پردازیم.

۲-۱-۲. پول الکترونیکی

اگر تا ده پانزده سال قبل در بسیاری از مبادلات کلان و خرد اقتصادی به‌جای پرداخت اسکناس، انواع چک‌های تجاری مبادله می‌شد یا با اوراق بدهی بین بانکها و روشهای دیگری، مبالغی چند میلیاردی را بر روی کاغذی معتبر و رمزارد جابه‌جا می‌کردند، امروزه در بسیاری از مبادلات اقتصادی داخلی و بین‌المللی، حتی تکه کاغذ نیز وجود ندارد و این امر از زمانی به‌وجود آمد که تجارت الکترونیکی با استفاده از پول الکترونیکی پا به میدان گذاشت. با توجه به پیشرفت روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و گسترش استفاده از پول الکترونیکی از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی، شاید بتوان دوره کنونی را دوره اقتصاد اینترنتی نامید. گسترش فزاینده استفاده از پول الکترونیکی، پیامدهای تجاری، اقتصادی، فقهی، حقوقی، سیاسی و اجتماعی قابل ملاحظه‌ای به‌همراه دارد.

آنچه در این قسمت از بحث به‌دنبال آن بودیم، بیان تحولات مهم پول بود و تأکید ما، در تغییر اساسی و تحول پول در مرحله سوم تغییر پول کاغذی یعنی قطع کامل ارتباط اسکناس با پول فلزی گران‌بها (طلا و نقره) می‌باشد و معتقدیم این تحول، نقطه عطفی در تغییر ماهیت پول بوده و این وضعیت در حالت کاهش شدید و مستمر ارزش پول می‌تواند موجب تغییر برخی احکام فقهی پول شود.

۲. تورم، تبعات کاهش ارزش پول و عکس‌العمل عرف

۲-۱. تورم

تورم و کاهش ارزش پول ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند. «تورم» یکی از مهمترین آثار اقتصادی پول است و طبق یک تعریف نسبتاً جامع عبارت است از «افزایش عمومی، نامتناسب و خودافزای قیمت‌ها که اغلب حالتی مداوم و برگشت‌ناپذیر دارد» (کتابی، ۱۳۶۷، ص ۲۹). نکته اساسی و مهم این است که تورم و کاهش ارزش پول ناشی از افزایش نامتناسب حجم پول و اعتبارات، موضوع مقاله حاضر است و ما به دنبال موضوع‌شناسی پول و جایگاه آن در احکام فقهی کاهش ارزش پول هستیم. بنابراین به نظر می‌رسد تورم پولی ارتباط نزدیک‌تری با کاهش ارزش پول داشته باشد؛ چنانچه برخی از اقتصاددانان، تورم پولی را علت بلندمدت تورم می‌دانند. برای روشن‌شدن تورم پولی، سخن ذیل گویایی خوبی دارد.

«اگر حجم پول در دست مردم افزایش یابد و به موازات آن، محصولات مورد تقاضای مردم افزایش نیابد، عدم تعادلی (تعادل پولی) پایدار می‌گردد که بالا رفتن قیمت‌ها نتیجه منطقی آن است» (قدیری اصلی، ۱۳۷۶، ص ۵۹۴). مراد ما از تورم و کاهش ارزش پول با توجه به توضیحات بالا، آنجایی است که تغییری در خود پولها حاصل شود؛ آقای یوسفی در این رابطه می‌گوید:

«همه کالاها افزون بر فایده مصرفی (ارزش مصرفی) دارای ارزش مبادله‌ای هستند. وقتی می‌گوییم کالایی گران یا ارزان شد، یعنی ارزش مبادله‌ای کالا در مقابل سایر کالاها تغییر یافته است. اگر ارزش مبادله‌ای کالایی در مقابل سایر کالاها افزایش یابد، آن کالا گران شده و اگر کاهش یابد، ارزان شده است. پول نیز همین‌گونه است. اسکناس فقط دارای ارزش مبادله‌ای است و پول تحریری هم فقط ارزش مبادله‌ای عام است. اگر این ارزش مبادله‌ای در مقابل ارزش مبادله‌ای سایر کالاها و خدمات کاهش یابد، ارزش پول کاهش می‌یابد و اقتصاد دچار تورم می‌شود؛ ولی اگر ارزش مبادله‌ای پول در مقابل ارزش مبادله‌ای سایر کالاها و خدمات افزایش یابد، گفته می‌شود: ارزش پول بالا رفته است؛ پس کاهش و افزایش ارزش مبادله‌ای در خود پول است؛

همان‌گونه‌که در سایر کالاها و خدمات اتفاق می‌افتد» (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۵). این نوع تورم معمولاً با ویژگی‌های افزایش نامتناسب قیمت‌ها، استمرار بالا رفتن قیمت‌ها، فراگیر و عمومی شدن افزایش قیمت‌ها (افزایش قیمت همه یا عمده کالاها) همراه است. نکته مهم دیگر این است که نمی‌توان انتظار داشت کاهش ارزش پول تأثیر دقیقاً یکسان و همزمانی در افزایش قیمت تمام کالاها و خدمات بگذارد، چون گرانی و ارزانی یک کالا در طول یک دوره زمانی فقط بستگی به کاهش ارزش پول ندارد؛ بلکه عوامل متعددی از جمله ظرفیت تولید، کشش بازار، تغییر نیازهای مصرف‌کنندگان، ذخیره موجود آن کالا در بازار، احتکار، عوامل روانی و تبلیغاتی و... نیز تأثیراتی کم‌وبیش در قیمت کالاها به‌طور نسبی دارند که پس از یک دوره زمانی اکثر این تأثیرات، تقریباً اثر خود را از دست داده و عامل عمده‌ای که اثرش باقی می‌ماند و باعث ثبات گرانی قیمت کالاها و خدمات می‌شود، همان کاهش ارزش پول است.

بنابراین در جایی که واقعاً ارزش پول کاهش می‌یابد و باعث برهم خوردن ثبات و تعادل اقتصادی در جامعه می‌شود، از لحاظ احکام فقهی، لوازمی به‌بار می‌آورد که لازم است با عنایت به این موضوع جدید، وارد مسائل فقهی شده و با توجه به قواعد عمومی فقه، آنها را بررسی نماییم.

۲-۲. تبعات کاهش ارزش پول و عکس‌العمل عرف

با توجه به اینکه پول، ملاک و محور سنجش تمام ارزشهای اقتصادی است، مناسب است در اینجا برخی از تبعات فقهی و اقتصادی کاهش ارزش پول ارایه شود. پول اعتباری محض، ارزش ذاتی ندارد و ارزش آن در ارزش مبادله‌ای اعتباری خلاصه می‌شود. پول در واقع حواله خرید امکانات اقتصادی (کالا و خدمات) موجود در جامعه است. از طرفی چون پول، ابزار اندازه‌گیری ارزشهای اقتصادی و وسیله‌ای برای مقایسه بین کالاهای گوناگون است، تغییر در ارزش آن نتایجی در بردارد که نخست، با نوسانات ارزش کالاهای دیگر قابل قیاس نمی‌باشد؛ دوم، برای رفع این آثار و تبعات ناخواسته باید از لحاظ فقهی چاره‌ای اندیشیده شود. توضیح آنکه این‌گونه افزایش قیمتی که ناشی از افزایش حجم پول و کاهش قدرت خرید پول باشد، آثار

یکنواخت و عادلانه‌ای برجای نمی‌گذارد. یکی از این آثار، کاهش ارزش دارایی‌های نقدی است. پس‌اندازکنندگان کوچک که پولهای صرفه‌جویی شده خود را ذخیره کرده‌اند، حقوق‌بگیران، بازنشستگان و... که درآمد ثابتی دارند به‌شدت زیان خواهند دید. به‌طورکلی در این حالت، بدهکاران منفعت برده و طلبکاران به‌شدت ضرر می‌کنند. به‌ویژه اگر طلبکار، پول را به‌شکل قرض‌الحسنه مدت‌دار به فرد یا مؤسسه دیگری داده باشد.

همچنین مصرف کالا به‌شکل کاذب افزایش بی‌رویه پیدا می‌کند، زیرا پول به‌تدریج قدرت خرید خود را از دست می‌دهد و مردم تصور می‌کنند در آینده قیمت کالاها گران‌تر می‌شود؛ لذا مردم قبل از مصرف و حتی بدون احساس نیاز به مصرف، اقدام به خرید کالاهای گوناگون می‌کنند. چون در چنین شرایطی پول به وظیفه سوم خود (ذخیره ارزش) عمل نمی‌کند. شکی نیست که این‌گونه مصرف‌گرایی مخالف منافع ملی و دستورات صریح دین اسلام است که در جای خود از آن بحث شده و به اثبات رسیده است (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱، ص ۱۸۳-۱۸۶).

کاهش شدید ارزش پول بر دیون، روابط مالی و قراردادهای در بخش توزیع درآمد، تولید، مصرف، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، تجارت خارجی و... آثار نامطلوبی دارد و حتی بخشهای گوناگون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی ارزشهای اخلاقی به‌شدت آسیب می‌بینند (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۱۴۴).

یکی از مهمترین موارد واکنش عرف در این رابطه، کاهش پرداخت وام قرض‌الحسنه با مبالغ قابل توجه به دیگران است که به‌نظر نگارنده علت اساسی آن از یک طرف کاهش زیاد و مستمر ارزش پول است و از طرف دیگر نظرات فقهی و حقوقی است که پرداخت بیشتر از ارزش اسمی (یعنی دریافت قدرت خرید پول مطابق با قدرت خرید پرداختی) را از مصادیق ربا می‌شمارند و علت اساسی آن کم‌رنگ شدن ارزشهای دینی از جمله عمل به سنت حسنه قرض‌الحسنه نمی‌باشد.

علت مهم این واکنش عرف آن است که پرداخت‌کننده قرض‌الحسنه، پس از یکسال و دو سال یا بیشتر، آنچه پرداخت نموده، دریافت نمی‌کند، چون نتیجه این نظریه فقهی

آن است که مقرض، چیز کمتری را دریافت کند؛ درحالی‌که دستور صریح آیه شریفه قرآن در آیه ۲۷۹ سوره بقره (فلکم رؤوس اموالکم لا تظلمون و لا تُظلمون) این است که سرمایه خود (آنچه داده‌اید) را می‌توانید پس بگیرید.

نکته قابل توجه این است که شروع تورم پولی در زمانهای گذشته معمولاً با خیانت حکومتها و مؤسسات مربوطه با همدستی دولتها بوده است؛ در زمانهای گذشته، پادشاهان برای تأمین مخارج سنگین خود، محتوی و عیار مسکوکات گران‌بها را دستکاری و هزینه سنگینی بر دوش مردم تحمیل می‌کردند. البته این وضع نمی‌توانست ادامه داشته باشد، چون مردم پس از اطلاع، عکس‌العمل نشان داده و سکه‌ها را امتحان و به‌طور وزنی معامله می‌نمودند، در نتیجه این کاهش ارزش پول ادامه پیدا نمی‌کرد. اما هم‌اکنون گرچه دولتها، به‌قصد خیانت این کار را انجام نمی‌دهند؛ ولی پیامدها و تبعات آن سر جای خود باقی است.

۳. بررسی تحلیلی وظایف و ماهیت پول

شناخت و تحلیل دقیق موضوع یا متعلقات موضوع تا حدی که مؤثر در احکام فقهی است بایسته یک پژوهش و نظریه‌پردازی حقیقت‌گرا می‌باشد. از این‌رو لازم است ماهیت پول و به‌ویژه وضعیت پولهای فعلی در دست مردم روشن گردد. لازم است در ابتدای بحث دو نکته را یادآور شویم:

۳-۱. مال و کالا بودن انواع پول

با توجه به تعریف^۱ و ویژگی‌های مال، از نظر عرف، هر نوع پول از مصادیق مسلّم مال به‌شمار می‌آید. نکته دیگر اینکه ارزش پولهای امروزی، عینی (فیزیکی) نیست. پولهای رایج، ارزش اعتباری (برحسب قرارداد اجتماعی) دارند (عبداللهی، ۱۳۷۱، ص ۱۳). در نتیجه پول رایج فعلی یک مال اعتباری است. البته اعتباری بودن دلیل بر پوچ و بیهوده بودن نیست؛ بلکه برعکس بسیاری از امور اعتباری از اساسی‌ترین ارکان جامعه است که ریشه در فطرت انسان و واقعیت‌های جامعه و نیاز جمعی دارد

۱ - در فقه، مال چنین تعریف شده است: «مال چیزی است که مورد رغبت و تقاضای عقلا باشد، به‌گونه‌ای که حاضر باشند در مقابل آن عوضی بپردازند» (الخوئی، بی‌تا، ج ۲-۳، ص ۴).

عبداللهی، ۱۳۷۱، ص ۱۵) و حتی حیات جمعی انسان در سایه اعتبارسازی او شکل گرفته و بدون این اعتبارسازی، بسیاری از روابط اجتماعی اقتصادی بدون منشأ و پشتوانه خواهد بود (نظری، ۱۳۸۵، ص ۴۷ - ۴۸).

به لحاظ اقتصادی، پول اعتباری یک کالای حقیقی نیست، چون رافع نیاز مصرفی نیست. اما از لحاظ فقهی و حقوقی، پول در حکم یک کالا است و تمام احکام کالا از قبیل تملیک و تملک، نقل و انتقال ذمه یا ضمان و... شامل آن می‌شود. دلیل این امر، مالیت داشتن انواع پول مانند مالیت تمام کالاهای خصوصی است.

۲-۳. نظریه‌های مالیت و ارزش ماهیت پول

سؤال مهم این است که نکته محوری در ماهیت و گوهر اصلی پول چیست؟ قدرت خرید پول یا ارزش اسمی آن؟ آنچه در معاملات و نقل و انتقالات و ضمان پول ملاک می‌باشد، قدرت خرید پول است یا ارزش اسمی آن؟

این قسمت از مباحث جزء نقاط کلیدی است و باید دقیقاً مورد توجه قرار گیرد و لازم است نظر عرف با توجه به تغییر و تحولات موضوع «پول» با روش علمی به دست آورده شود. البته باید توجه نمود که اگر در تعیین مفاهیم یا تشخیص مصادیق احکام شرعی، نظر عرف ملاک باشد، یعنی رفتار و قضاوت عرف متشرعه دخالت داشته و حجت باشد مراد عرف اهل نظر و دقت است، نه عرف اهل تسامح. این مطلبی است که امام خمینی (ره) به خوبی آن را مطرح و تبیین نموده است (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۷-۲۲۹). بنابراین ما در این مقاله برای به دست آوردن دیدگاه عرف و رفتار متعارف تا آنجایی که امکان دارد به نتایج آماری که با روشهای مطمئن در علوم اجتماعی به دست می‌آید، مراجعه می‌نماییم. زیرا در این روش با توجه به پیشرفتهای علوم اجتماعی و با استفاده از روشهای آماری، از تعداد قابل توجهی از افراد جامعه به طور تصادفی پرسش به عمل می‌آید و براساس فرمولهای تجربه شده، می‌توان جوابهای به دست آمده را به بیش از نود درصد جامعه تعمیم داد (موسایی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۶-۱۵۴).

۱- در برابر کالای خصوصی، کالا یا خدمت عمومی مانند هوا، راه‌ها و برنامه‌های رادیو و

تلویزیون قرار دارد.

این مسئله از این جهت اهمیت بیشتری دارد که داوری عرف و عقلا در یک زمان و مکان (مثلاً داوری عرف و عقلا در مورد قیمی یا مثلی بودن پول در زمان کاهش مستمر ارزش پول) از نظر عرف در سایر مکانها و زمانها به دست نمی آید؛ بلکه باید به دوره مربوط به خود آن مکان و زمان مراجعه نمود. برای ریشه یابی و تحلیل کامل این بحث به ناچار باید مباحثی به عنوان مقدمات بحث آورده شود. این مباحث عبارتند از: وظایف پول و بررسی آنها، مثلی و قیمی بودن پول.

۳-۳. بررسی وظایف پول

بیشتر اقتصاددانان به جای تعریف جامع و مانع از پول، به شرح وظایف پول می پردازند. ما نیز این بحث کلیدی را در حد لازم مطرح و برخی نکات تکمیلی مؤثر در بحث را اضافه می نماییم. برخی از صاحب نظران گفته اند: «پول به کمک وظایفی که بر عهده دارد و نقشهایی که ایفا می کند، تعریف می شود. می توان گفت پول وسیله مبادله در بازار، قدرت خرید برای افراد و بالاخره ابزار سیاست اقتصادی برای دولت است» (منتظرظهور، ۱۳۵۳، ص ۴۴۱). همین نویسنده در توضیح قدرت خرید می افزاید: پول در عین حال که وسیله مبادله است، قدرت خرید نیز می باشد؛ به طوری که دارندگان آن می توانند در هر زمان و مکانی آن را به کار ببرند و در مقابل آن، مقدار معینی از کالاها و خدمات موجود در بازار را به دلخواه خود به دست آورند. بدین ترتیب پول به منزله طلبی از اقتصاد ملی یا صحیح تر، از تولید ملی است که صاحب آن می تواند هر موقع از جامعه طلب کند.... بنابراین پول در عین حال وسیله پس انداز و ذخیره ارزش نیز هست (منتظرظهور، ۱۳۵۳، ص ۴۴۲).

اما آنچه اکثر اقتصاددانان بر آن تأکید نموده اند و در اقتصاد اسلامی نیز مطرح شده است سه وظیفه یا مشخصه می باشد: الف. وسیله مبادله؛ ب. واحد سنجش ارزش و ج. وسیله ذخیره ارزش.

در تحلیل و بررسی این وظایف، برخی از محققان تأکید دارند که لازمه پذیرفتن وظیفه اول پول (وسیله مبادله در بازار) این است که پول ذخیره ارزش هم باشد. یعنی حرکت یک مقدار ارزش و انتقال آن به زمان آتی؛ به عبارت دیگر وظیفه ذخیره ارزش بودن پول و واسطه مبادله بودن آن در عمل از یکدیگر تفکیک پذیر نیستند

(داوودی، ۱۳۷۰، ص ۴۷ و فرهندی، ۱۳۷۳، ص ۲۹۷).

به نظر نویسندگان برای اینکه پول وظیفه ذخیره ارزش را به خوبی انجام دهد و آن را از زمانی به زمان دیگر انتقال دهد، لازم است در طول زمان، ارزش خود را حفظ کند و اگر بخش قابل توجهی از ارزش خود را به خاطر کاهش ارزش پول حفظ ننماید، در واقع این وظیفه را انجام نداده است. سخن ما در تحلیل محتوایی وظیفه سوم پول یعنی «ذخیره ارزش» است.

اگر کلمات ذخیره و ارزش را به طور دقیق تحلیل نماییم ملاحظه می شود که پول، مقدار ذخیره ارزش را هم باید حفظ کند، چون کلمه ذخیره یعنی نگاهداشتن چیزی برای موقع احتیاج (دهخدا، ۱۳۳۷-۱۳۴۱، ج ۷، ص ۱۰۷) و انبار کردن یک چیز در طول زمان برای آینده و کلمه ارزش، یعنی ارزش مبادله ای عام که مورد قبول همه است؛ بنابراین اگر مقدار ارزش پول در طول زمان حفظ نشود، در واقع وظیفه سوم پول «ذخیره ارزش» به درستی انجام نشده است؛ زیرا همین قدر که پول، یک مقدار قابل توجه از ارزش، مثلاً ۲۵ درصد آن را در طول یک سال از دست بدهد، می شود گفت ذخیره لازم را انجام نداده است. از نظر عرف نیز تمام توجه روی همین مقدار ذخیره ارزش است. به نظر نگارنده، عرف عام مقدار ذخیره ارزش را مدنظر دارد چه رسد به عرف خاص و دقیق که در اینجا ملاک تشخیص است.

در مقابل، برخی از نویسندگان بر این نکته تأکید دارند که با توجه به تعریف پول (ارزش مبادله ای خالص اشیاء که ارزش مصرفی آن نیز در همین ارزش مبادله ای نهفته است)، ماهیت پول متوقف بر قدرت خرید آن نیست؛ بلکه وابسته به اصل ارزش مبادله ای است، نه مقدار آن (داوودی و...، ۱۳۷۴، ص ۷۸).

در پاسخ باید گفت معاملات و مبادلات اقتصادی روی کلی پول نیست؛ بلکه روی تعدادی از واحدهای پول است - کم یا زیاد - وقتی ارزش مبادله ای در کنار تعدادی از واحدهای پول قرار گیرد، نتیجه آن مقداری از این ارزش است؛ به عبارت دیگر، طرفین معامله (قرض یا هر نوع مبادله دیگر)، اصل و کلی ارزش که یک چیز غیرمعین است را معامله نمی کنند؛ بلکه مقداری از این ارزش را معامله می کنند؛ مثلاً یک واحد پول ایران،

فلان ارزش مبادله‌ای را دارد، این واحد در ۱۰۰۰ یا ۲۰۰۰ ضرب شده و طی معامله‌ای ردوبدل می‌شود. بنابراین به‌طور طبیعی مقدار ارزش مورد توجه و ملاک است. افزون بر این یکی از فرقهای پول و سایر کالاها این است که در سایر اموال و کالاها، گرانی و ارزانی و قدرت خرید یا مقدار ارزش مبادله‌ای از خصوصیات نسبی آنهاست، ولی در پول، ویژگی اصلی و به‌عبارت واضح‌تر اصلی‌ترین مقوم، قدرت خرید و مقدار ارزش مبادله‌ای آن است.

پس تفسیر واقع‌بینانه از وظیفه سوم پول (ذخیره ارزش) عبارت است از نگهداشتن و حفظ ارزش قبلی و این یعنی اینکه مقدار ذخیره ارزش پول، لازمه لاینفک وظیفه سوم پول است. بنابراین اگر در جامعه‌ای، اقتصاد پولی ناسالم بود و قدرت خرید و ارزش پول، کاهش شدید و مستمر داشت، این یک وضعیت و پدیده جدید است و غیر از نوسانات خفیف قیمت پول طلا و نقره و امثال آن می‌باشد و می‌تواند در برخی مسائل فقهی مربوط به پول تأثیر بگذارد.

۳-۴. مثلی یا قیمی بودن پول

با توجه به وضعیت و کارکردها و مصداقهای جدید پول، آیا پول مال مثلی است یا قیمی؟ یا نوع دیگری است؟ و در صورت مثلی بودن، مقوم مثلیت در آن چیست؟ در جواب گفته می‌شود عنوان مثلی و قیمی در نصوص روایی ذکر نشده است تا برای یافتن تعریف آن به روایات رجوع شود؛ به عبارتی لفظ مثلی و قیمی حقیقت شرعیه و حتی حقیقت منشرعیه ندارند (الانصاری، ۱۴۲۳ق، ص ۲۱۴ و الحکیم، ۱۳۷۹، ص ۲۳۳).

فقها این دو عنوان را در بحث ضمان تالف مطرح کرده و پذیرفته‌اند که اگر انسان مال دیگری را تلف کرد، اگر آن چیز مثلی بود، مثل آن را بدهکار است و اگر قیمی بود، قیمت آن را بدهکار است. ابتدا اشاره‌ای به قول لغویون و سپس تعریف فقهی مثلی ارائه می‌شود.

از مجموع سخنان لغویون می‌توان فهمید که مثل یک چیز عبارت از چیزی است که شباهت بسیاری به خود آن چیز دارد؛ به‌گونه‌ای که خود آن چیز است (الطریحی، ۱۹۸۹، ج ۵، ص ۴۷۰).

مرحوم شیخ طوسی می‌فرماید مثلی آن است که قیمت اجزاء آن مساوی باشد

مانند حبوبات و... (الطوسی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۵۹). «محقق حلی» نیز همین معنی را برای مثلی ذکر نموده است (محقق حلی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۳۹). چنانچه عاملی (ره) نیز همین معنی را برای مثلی آورده است (العاملی، ج ۶، ص ۲۴۱).

در مورد تعریف قیمی نیز تکیه سخنان بر این محور است که قیمی کالایی است که قیمت اجزاء آن مساوی نباشد. مرحوم آیت‌الله خوئی در باره ضابطه مثلی و قیمی می‌فرماید: کالایی که افرادی متمائل به حسب نوع یا صنف دارد مثلی است و الا قیمی است و نقود رایج از مثلیات است (الخوئی، ج ۲-۳، ص ۱۵۲-۱۵۳). استاد مطهری در تعریف اموال مثلی و قیمی می‌گوید: اموال مثلی اشیاء مشابه دارند و اموال قیمی، [اموالی است که] امثال آن خیلی به آن شبیه نباشند (مطهری، ۱۳۷۸ الف، ص ۳۴۲).

اصل اولیه در پرداخت دین، پرداخت مثل است و اگر مثل وجود نداشته باشد بهای کالا باید پرداخت شود. البته ممکن است با تغییر زمان و مکان به جهت برخی تغییرات مهم عرفی، کالایی که مثلی بوده قیمی شود یا بالعکس؛ ولی به هر حال ملاک در این زمینه، نظر عرف و عقلا همان زمان و مکان است، چون عنوان مثلی و قیمی عنوان شرعی نیستند؛ بلکه عنوان عرفی عقلایی هستند.

اما در خصوص پول عده‌ای زیادی از فقها، آن را مال مثلی به حساب می‌آورند، مانند: امام خمینی (ره) (امام خمینی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۶۰۲)، آیت‌الله خوئی (ره) (الخوئی، ج ۲ و ۳، ص ۱۵۳)، شهید سید محمدباقر صدر (ره) (الصدر، بی‌تا، ص ۱۷)، آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی (الهاشمی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۹۳)، آیت‌الله مکارم (مکارم، ۱۳۷۶، ص ۱۴۴)، آیت‌الله خرازی (الخرازی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۶).

در مقابل، برخی از صاحب‌نظران پول را مال قیمی می‌دانند. آیت‌الله آصفی در این باره می‌گوید: اگر دو فرد از کالایی که مثل همدیگر هستند، اما در دو زمان مختلف دو قیمت دارند به حدی که از نظر عرف این اختلاف قابل اغماض نیست، می‌توانیم افراد این کالا در دو زمان مختلف را افراد طولی و قیمی بدانیم و ضمان کاهش قیمت بر عهده ضامن باشد؛ وی در توضیح این نظریه می‌افزاید: مبنای فقهی این نظریه در خود مسئله ضمانت نهفته است. در صورتی که دو مال همسان از لحاظ مالیت اختلاف

فاحشی داشته باشند، عادتاً مالیت آن به عهده ضامن می آید نه خود مال، چون فقها مال را با قید مالیت متعلق ضمان می دانند و در نهایت می گوید: آنچه در اقتصاد ارزش تبدیلی دارد نه ارزش مصرفی، در فقه مالیت آن ملاک تبادلات است. بنابراین اسکناس که ارزش مصرفی ندارد یعنی ارزش آن در مالیتش است، پس ضمانت اسکناس با مالیت آن است نه با مثل آن (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۳۵-۳۸). به نظر نگارنده، پول اعتباری محض (اسکناس در حال حاضر) یک مال مثلی است و مثل آن، ارزش مبادله ای و قدرت خرید در زمانی است که مبادله روی آن صورت گرفته است. چون در نزد تمامی عرف، رغبت به پول و غرض اصلی از داشتن پول، توانایی بر استفاده از امکانات اقتصادی (کالا و خدمات) است. در ادامه نظریه ارزش اسمی و نظریه قدرت خرید در باره ماهیت پول ارایه می شود.

۳-۵. نظریه ارزش اسمی درباره ماهیت پول

براساس این نظریه، محور اصلی در تمام مبادله های اقتصادی و معامله هایی که با پول انجام می شود، ارزش اسمی پول است. طرفداران این نظریه پول را یک مال مثلی دانسته و موضوع و مقوم مثلیت پول را مانند درهم و دینار صدر اسلام، همان ارزش اسمی آن می دانند و نه چیز دیگر؛ زیرا نخست، قدرت خرید از عوارض و حالات پول است، نه از مقومات پول و هنگامی که فردی مقداری پول اعتباری قرض می کند، در عرف گفته نمی شود او قدرت خرید قرض کرده است.

دوم، پول اعتباری از جهت پول بودن (ارزش مبادله ای) با پول حقیقی تفاوتی ندارد و تنها تفاوت از جهت غیر پولی (ارزش مصرفی) است و اگر قدرت خرید، مقوم پول باشد در مورد سکه طلا و نقره نیز این سخن مطرح خواهد شد. یعنی اگر قدرت خرید آنها نیز کاهش یابد، بایستی قائل به جبران کاهش ارزش آنها شویم، درحالی که هیچ فقیهی چنین فتوایی نداده است.

سوم، در تعریف پول به «ارزش مبادله ای خالص اشیاء که ارزش مصرفی آن نیز در همین ارزش مبادله ای نهفته است» ماهیت پول، متوقف بر قدرت خرید آن نیست، بلکه وابسته به اصل ارزش مبادله ای است، نه مقدار آن و اصل ارزش مبادله ای هم از ویژگیهای نسبی پول است و آنچه در پول ضمان آور است ویژگی های ذاتی پول است،

بنابراین ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید پول، ضمان‌آور نیست.

چهارم، وظیفه پول ذخیره ارزش است نه مقدار ذخیره ارزش، تا قدرت خرید، قوام مثلث پول باشد (نظری و...، ۱۳۷۴، ص ۷۷-۷۸ و توسلی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۴).

۳-۶. نظریه قدرت خرید در باره ماهیت پول

قدرت خرید عبارت است از قدرت حصول بر مقدار معینی از کالاها و خدمات که مقدار پول معینی آن را امکان‌پذیر می‌سازد (منتظرظهور، ۱۳۵۳، ص ۴۴۲) و به عبارت دیگر مقدار کالایی که با واحد پول، در هر لحظه از زمان می‌توان خرید (میرجلیلی، ۱۳۸۴، ص ۳۳). براساس این نظریه، ویژگی اصلی که در تمام معامله‌های پولی مورد توجه قرار می‌گیرد قدرت خرید یعنی مقدار ارزش مبادله‌ای پول است. این نظریه روی قدرت خرید پول به‌ویژه در حالت تورم تأکید زیادی می‌کند و آن را محور مهم در مبادله‌های اقتصادی با پول می‌داند.

۳-۶-۱. نکات اصلی نظریه قدرت خرید از بیان قائلین به آن عبارتند از: شهید صدر (ره) پولهای کنونی (پولهای اعتباری محض) را در حکم پولهای کاغذی الزامی می‌داند، یعنی ارزش آن به مقدار ارزش طلای مکتوب در قوانین پولی کشور نیست؛ بلکه ارزش آن توسط صادرکننده (دولت و قانون) به آن داده می‌شود و از طرف حکومت با الزام قانون به جریان می‌افتد (الصدر، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۹-۱۵۲). ایشان در جای دیگر درباره مثلی بودن پول می‌گوید: «پول مثلی است و مثل آن ارزش اسمی آن نیست؛ بلکه مثل قدرت خرید قبلی است» (الصدر، ۱۴۱۰ق، ص ۱۷). پس اگر قدرت خرید پول در طول زمان کم شد یعنی پول، کاهش ارزش پیدا کرد ملاک پرداخت، مقدار قدرت خرید قبلی پول است.

اگر اشکال شود که با توجه به این نظریه، پول هم مثلی است و هم قیمی؛ درحالی‌که اموال یا قیمی هستند یا مثلی؛ جواب این است که پول از یک جهت مثلی است و آن دو واحد مساوی از پول درحالی‌که قدرت خرید تغییر نکرده است مثلاً در یک زمان و از جهت دیگر قیمی است و آن دو واحد از پول، درحالی‌که قدرت خرید پول به مقدار قابل توجهی تغییر کرده است، مثلاً در دو زمان متفاوت.

شهید بهشتی (ره) نکته محوری در ماهیت پول را قدرت خرید می‌داند (حسینی

بهشتی، ۱۳۶۲، ص ۶۳). آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی در بحث ضمانت کاهش ارزش پول قائل به فرق بین پولهای حقیقی (دینار و درهم) و پولهای اعتباری است و می‌گوید در پولهای حقیقی کاهش ارزش پول برعهده نمی‌آید؛ زیرا مالیتشان برخاسته از جنس خودشان است، همانند دیگر اموال مثلی، ولی پول اعتباری از آن روی که به‌خودی خود، دارای ارزش مصرفی نبوده و تنها در دادوستد به‌کار می‌رود، ارزش مبادله‌ای و توان خرید آن، در نگاه عرف و عقلا همچون صفت حقیقی است و بدین‌سان، همانند دیگر صفات مثل خود، به‌عهده می‌آید. البته اگر در رابطه با ماهیت و استواری پول از نظر قدرت و توان دولت صادرکننده آن باشد، نه در نتیجه اثرگذاری قاعده عرضه و تقاضای بازار (هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۷۴، ص ۶۶). وی می‌گوید در پولهای اعتباری صرف، ارزش و توان خرید، همه هستی و اساس آنها است، یعنی قدرت خرید، حیثیت تقییدیه [معیار و موضوع] آنها می‌باشد، یعنی موضوعیت تمام دارد و در کالاهای حقیقی، ارزش، حیثیت تعلیلیه [انگیزه و سبب] است (هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۷۴، ص ۷۲-۷۳).

آیت‌الله بجنوردی در مورد اسکناس امروزی به‌صراحت می‌گوید: تمام حقیقت و هویت اسکناس عبارت است از قدرت بر خرید و توانایی بر رفع احتیاجات، یعنی دارنده اسکناس مالک قدرت خرید معینی خواهد بود و می‌تواند با چنین قدرتی به رفع نیازهای خود، به‌میزان همان توان خرید، یعنی به‌مقدار اسکناسهایی که دارد اقدام کند (موسوی‌بجنوردی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۹). آقای یوسفی در تعریف پول می‌گوید: پول، شیء فیزیکی دارای ارزش مبادله‌ای عام یا شیء غیرفیزیکی است که خود فی‌نفسه، ارزش مبادله‌ای عام دارد؛ اما از نظر عرفی، همان پول قانونی (اسکناس)، یعنی شیء فیزیکی، دارای ارزش مبادله‌ای عام پول است. اصل ارزش مبادله‌ای عام در اسکناس برخلاف پول کالایی و فلزی، اعتباری محض است (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۶۵). وی در جای دیگری می‌گوید: از نظر عرف و عقلا، پول کاغذی و اسکناس به اعتبار ارزش مبادله‌ای، مثلی است؛ چه این ارزش مبادله‌ای آن را صفت نسبی بدانیم یا صفت ذاتی (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۷۶) و قدرت خرید، همان ارزش مبادله‌ای عام در پول است،

مالیت در پول نیز چیزی جز همان ارزش مبادله‌ای عام نیست (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۷۲).
آیت‌الله معرفت (ره) نیز در این رابطه می‌گوید: در امور اعتباری مانند پول، باید عنوان کاربردی و قدرت خرید را در نظر گرفت... همان‌طور که اصل اعتبار مالیت را از عقلا و عرف گرفته‌ایم باید خصوصیات آن را هم از عرف بگیریم؛ بنابراین اگر برای ارزش پول از بیست سال قبل تا به حال تفاوت قائلند ما هم باید آن را بپذیریم، چون وقتی اصل پول امر عرفی است، خصوصیات و ریزه‌کاری‌های آن را هم باید از عرف بگیریم (معرفت، ۱۳۷۵، ص ۱۸).

۳-۶-۳. *ترجیح نظریه قدرت خرید در باره ماهیت پول*: بعد از آنکه نکات اصلی نظریه‌های ارزش اسمی و قدرت خرید درباره ماهیت پول تبیین شد، می‌توان اظهار داشت در مجموع، نظریه قدرت خرید در ماهیت پول به دلایل زیر ترجیح دارد:

نخست، آنچه در پول، مهم و اصل و عامل رغبت عرف به پول است، همان ارزش و قدرت خرید پول است و به دست آوردن این ذائقه عرف زحمت چندانی ندارد، چون با اندک مراجعه به عرف و دقت در سؤال و جوابهای روزمره آنان می‌توان به این نتیجه رسید که گوهر اصلی پول همان قدرت خرید است. به‌طور مثال، وقتی پدری به فرزندش یکصد هزار تومان پول می‌بخشد، دیگران از او می‌پرسند با این پول چه مقدار کالا می‌توانی خریداری نمایی یا چه چیز می‌توانی تهیه کنی و همین‌طور وقتی کسی پولی قرض می‌کند؛ چنانچه مراجعه به عرف از طریق روشهای آماری علوم اجتماعی که از اطمینان بیشتری برخوردار است، نیز این مطلب را تأیید می‌کند.^۱ تأیید دیگری بر این مطلب آن است که غرض اصلی از داشتن پول، توانایی بر خریدن یا استفاده از امکانات اقتصادی (کالا و خدمات) است.

دوم، چنانچه در قبل اشاره شد، یکی از پژوهشگران درباره قدرت خرید پول می‌گوید: پول در عین حال که وسیله مبادله است، قدرت خرید نیز است، به‌طوری‌که دارندگان آن می‌توانند در هر زمان آن را به‌کار ببرند... بنابراین، نقش پول به‌منزله

۱ - در پاسخ به این سؤال که آیا با این جمله «پول نماینده قدرت خرید است» موافق هستید،

۹۰/۱ درصد از کل نمونه‌ها پاسخ مثبت داده‌اند و این نسبت برای سه نوع عرف، عموم،

دانشگاهی و حوزوی بسیار به هم نزدیک است (موسایی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۸).

معرف قدرت خرید، بسیار وسیع است (منتظر ظهور، ۱۳۵۳، ص ۴۴۰ و ۴۴۲). با وجود این چگونه می‌توان گفت قدرت خرید از عوارض و حالات پول است، نه از مقومات پول. به نظر نگارنده قدرت خرید پول، اصلی‌ترین مقوم پول است.

سوم چنانچه برخی از صاحب‌نظران تأکید نموده‌اند، در پول اعتباری محض، قدرت خرید حیثیت تقییدیه (موضوع و معیار) است و دخالت جدی در ماهیت پول دارد (هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۷۴، ص ۷۲).

چهارم اکثر نویسندگان، ماهیت پولهای اعتباری را ارزش مبادله‌ای صرف (خالص) می‌دانند و این ارزش مبادله‌ای، مورد پذیرش عموم قرار گرفته است و این پذیرش و اقبال عمومی، ریشه در قدرت خرید پول دارد. بنابراین ارزش مبادله‌ای عام پول چیزی نیست جز قدرت خرید پول. در این نکته مهم، فرق پولهای اعتباری و پولهای حقیقی (دینار و درهم) نتیجه می‌شود، چون طلا و نقره یک کالای با ارزش است که ذاتاً ارزش دارد و اگر عنوان پول هم روی آن نباشد باز قدرت خرید و امکان مبادله دارد، قدرت خرید در آنها از عوارض و حالات است و کم و زیاد می‌شود، ولی پولهای اعتباری، صرفاً برای ایجاد توانایی بر انجام مبادلات گوناگون اقتصادی اعتبار شدند و قدرت خرید در آنان، از اول تا آخر، نقش اول را ایفا می‌کند.

البته دلیل این فرق اساسی پولهای اعتباری محض و پولهای حقیقی، تغییر ماهیت اسکناس در مرحله سوم تحول اسکناس یعنی مرحله خودداری بانکها از تبدیل اسکناس به فلز گران‌بها می‌باشد؛ این امر سبب تغییر ماهیت اسکناس شده و اسکناس جدید، یک سند اعتباری با ارزش که تمام ارزشش در قدرت خرید است می‌باشد.

پنجم، در اقتصاد اسلامی، پول ذخیره ارزش (به مفهوم کینزی آن) است (میرمعزی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۷). از طرفی در تحلیل محتوایی وظیفه سوم پول «ذخیره ارزش» بیان کردیم ذخیره ارزش، یعنی نگهداشتن ارزش قبلی و نگهداشتن ارزش قبلی به معنای آن است که پول، مقدار ارزش را نیز نگه می‌دارد والا ارزش را نگهداری نکرده و ذخیره نکرده است.

در توضیحات قبلی اشاره شد که ذخیره ارزش و مقدار ذخیره ارزش با هم تلازم

دارند و این مطلب به خوبی از کلمات برخی اقتصاددانان به دست می آید و به نظر ما نکته ظریف این سخن، معنای عرفی کلمه «ذخیره» است که مورد غفلت قرار گرفته است و نتیجه این تلازم مذکور، آن است که نظریه قدرت خرید در ماهیت پول، به طور قطع ترجیح دارد.

دکتر قدیری اصلی در رابطه با آثار تورم می گوید: با تورم مزمن، پول ملی در عین وسیله مبادله بودن، از انجام دو وظیفه دیگر خود که معیار ارزش و وسیله ذخیره ارزش است باز می ماند. یعنی مردم در تورم طولانی کالاها را نه به پول ملی، بلکه به پول خارجی معتبر می سنجند؛ به اصطلاح پول دلاری می شود و بسیاری از مردم پس اندازهای خود را به پول بیگانه نگهداری می کنند (قدیری اصلی، ۱۳۷۶، ص ۶۶).

این واقعیت نشان دهنده آن است که وظیفه سوم پول حفظ مقدار ارزش پول نیز هست، نه فقط اصل ارزش پول، چون اصل ارزش یک چیز کلی است که مصداقهای بسیار متفاوتی می تواند داشته باشد و در تورم طولانی نیز حفظ می شود، ولی ملاک توجه و عمل عرف و عقلا، افزون بر اصل ارزش، مقدار ارزش نیز می باشد و به همین جهت که پول در حالت تورم طولانی، مقدار ارزش را نگهداری نمی کند، مردم پس اندازهای خود را با پول بیگانه ذخیره می کنند. یعنی چون پول وظیفه خود (حفظ مقدار ذخیره ارزش) را انجام نمی دهد، مردم آن را رها می کنند و سراغ پولی می روند که این وظیفه را انجام می دهد. حال که وظیفه پول، حفظ مقدار ارزش نیز بود، پس قدرت خرید، قوام ماهیت پول می باشد.

اگر عرف، ارزش اسمی را معیار و مقوم مثلی بودن پول بداند، این ذهنیت و قضاوت مربوط به دورانها یا جوامعی است که تورم و افزایش قیمت کالاها در حدود چند درصد بیشتر نباشد، مانند همان افزایش یا کاهش قیمتی که در صدر اسلام در طول دوران حضور معصومین (ع) بوده است. البته اگر هم افزایش قیمت فوق العاده، در حادثه مهمی مانند قحطی یا... بوده، پس از مدت زمانی قیمتها به حالت اول یا نزدیک به آن، برمی گشته است (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۰).

نتیجه سخن آن است که از زمان قدیم تا به حال عرف و عقلا در برابر تورم یا

کاهش چند درصدی ارزش پول، اعتنایی نکرده و از خود واکنش نشان نداده‌اند. اما زمانی که عرف در مواجهه با وضعیت پولی و روابط مالی و مبادلات اقتصادی با کاهش مستمر و فاحش ارزش پول روبه‌رو شود، یعنی حالت کاهش زیاد ارزش پول، تثبیت شود، معیار و قوام مثلی بودن پول عوض می‌شود، یعنی در آن جامعه و دوران، معیار و مقوم مثلیت پول، قدرت خرید پول می‌شود (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۸۲-۸۵ و ص ۲۰۰-۲۰۳). و این آن چیزی است که سالها در جامعه ما اتفاق افتاده، یعنی عرف به‌خاطر بی‌ثباتی ارزش پول، از خود واکنش نشان داده و در نوع قراردادهای تجاری و اجاری آن‌را در نظر می‌گیرند و براساس آن عمل می‌کنند.

۴. شباهتها و تفاوت‌های پول فعلی با پول دوران گذشته

با توجه به اینکه «پول» موضوع بحث این مقاله است و پول موضوع تازه‌ای نیست و از دوران گذشته و همچنین در صدر اسلام و در عصر معصومین (ع) وجود داشته است و در روایات معصومین (ع)، احکام و دستوراتی در مورد برخی مسائل پول آمده است، لازم است در این قسمت از تحقیق، برخی شباهتها و تفاوت‌های مهم پول اعتباری محض با پول دوران معصومین (ع) را بیان نماییم تا مشخص شود آیا تمام احکام و دستورات روایات، مترتب بر پولهای فعلی نیز می‌شود؟

۴-۱. برخی از موارد اشتراک پول صدر اسلام و پولهای فعلی

نخست، هر دو نوع پول، وظایف سه‌گانه پول را بر عهده دارند؛ دوم، هر دو نوع پول، ارزش مبادله‌ای دارند که به آنها قدرت خرید می‌دهد و سوم، هر دو نوع پول ممکن است کاهش ارزش مبادله‌ای پیدا کنند و عرف در برابر آن به‌نوعی واکنش نشان دهد (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۸۶).

۴-۲. برخی موارد افتراق پول صدر اسلام و پولهای فعلی

نخست، پولهای صدر اسلام (طلا و نقره)، پول حقیقی بودند ولی پولهای فعلی اعتباری محض هستند. یعنی طلا و نقره، صرف‌نظر از قرارداد و اعتبار عمومی دارای ارزش ذاتی هستند، ولی پولهای امروزی پس از اعتبار و پذیرش عمومی، دارای ارزش می‌شوند؛ ارزش ذاتی پولهای صدر اسلام نیز بستگی به وزن و عیار (درجه خلوص طلا یا نقره) آنها داشته است؛ دوم، پولهای صدر اسلام افزون بر ارزش مبادله‌ای،

ارزش مصرفی نیز داشتند؛ پولهای امروزی فقط ارزش مبادله‌ای دارند؛ سوم، تفاوت مهم دیگر پولهای (اسکناسهای) اعتباری محض با پولهای صدر اسلام، تفاوت در تولید و عرضه آنهاست. در تولید و عرضه همه اموال، از جمله پولهای حقیقی مانند درهم و دینار، محدودیتهای فیزیکی وجود دارد، ولی در تولید پولهای اعتباری و به‌خصوص پولهای کاغذی، به‌دلیل فراوانی و ارزانی موادی که از آنها ساخته می‌شوند، هیچ‌گونه محدودیت فیزیکی وجود ندارد. محدودیتهایی که در تولید و عرضه پولهای حقیقی وجود دارد، مانع از نوسانات شدید بازاری به‌ویژه در درازمدت می‌شود. پولهای اعتباری به‌علت آسان بودن ساخت و بی‌ارزش بودن یا کم ارزش بودن مواد تشکیل‌دهنده آنها ممکن است در فاصله زمانی کوتاهی کم ارزش شوند.

بنابراین عواملی که در کاهش یا افزایش ارزش پولهای اعتباری تأثیر می‌گذارند، با عواملی که در تعیین قیمت و ایجاد نوسان و تغییر در ارزش سایر کالاها و پولهای کالایی (درهم و دینار) مؤثرند، متفاوتند. همچنین احکام مربوط به آنها ممکن است با یکدیگر متفاوت باشد (کرمی و...، ۱۳۸۰، ص ۲۰۷).

چهارم، نوسانات ارزشی پولهای صدر اسلام در مقایسه با نوسانات ارزشی پولهای فعلی تفاوت دارد، تفاوت نوسانات این دو در بعد کاهش ارزش، نمود بیشتری دارد. طلا و نقره در مقایسه با کالاها ممکن بود افزایش حجم پیدا کند و در نتیجه، ارزش آن کاهش پیدا کند، ولی با توجه به ارزش ذاتی و مصرفی طلا و نقره و سازوکار خاص تولید درهم و دینار، از جهت هزینه استخراج طلا و نقره و ضرب سکه، این افزایش حجم نمی‌توانست بی‌اندازه ادامه پیدا کند. پس این کاهش ارزش، استمرار زیادی نداشت و حتی قابل برگشت بود.

اگر ارزش درهم و دینار کاهش پیدا می‌کرد، با توجه به هزینه اندک نوب آنها که در حد یک درصد بود، افراد با وجود خطر احتمالی، دست به‌کار نوب و تبدیل آنها به شمش و جواهرات زینتی می‌شدند و این امر در بلندمدت از حجم پول کاسته و در نتیجه تورم در بلندمدت کنترل و تعدیل می‌شد (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۰-۲۰۳ و موسایی، ۱۳۸۳، ص ۹۱-۱۰۰). بدین لحاظ ارزش درهم و دینار ثبات نسبی داشته است.

شواهد تاریخی در افزایش و یا کاهش قیمت کالاها در طول دهها و حتی صدها سال، این مطلب را تأیید می‌کند.

۳-۴. پول اعتباری مصداق مستحدث از پول

برخی تفاوت‌های پول صدر اسلام (دینار و درهم) با پولهای اعتباری امروزی بیان شد و چنانچه گذشت بیشتر این تفاوتها از جهت پولی بود نه از جهت غیرپولی. نتیجه آنکه این‌گونه پول در زمان تشریح احکام و صدور روایات معصومین(ع) وجود نداشته است تا احکام مربوط به آن بیان شود؛ از این‌رو پدیده‌ای مستحدثه محسوب می‌شود. به‌ویژه آنکه پولهای اعتباری ذاتاً هیچ ارزشی ندارند و تمام ارزش آنها به اعتبار اعتبارکننده و پذیرش عمومی مردم وابسته است؛ این پولها حیثیت مصرفی و کالایی نداشته و ارزش مصرفی آن در ارزش مبادله‌ای آن خلاصه می‌شود. عده زیادی از نویسندگان نیز پول اعتباری محض را مستحدثه می‌دانند(مکارم، ۱۴۱۸، ص ۶۵).

یادآور می‌شویم مصداق مهم مال در زمان گذشته(صدر اسلام و قرن‌ها بعد از آن) پول با ثبات نسبی ارزش بوده، ولی هم اکنون پول اعتباری محض است که در حالت کاهش مستمر و شدید ارزش، وضعیتی جدید به خود می‌گیرد؛ بنابراین برای به‌دست آوردن احکام فقهی کاهش شدید و مستمر ارزش پول اعتباری محض، نمی‌توان شاهد محکمی از روایات مربوط به مال و پول حقیقی به‌دست آورد و لازم است جستجوی بیشتری در این زمینه شود و براساس اصول و قواعد فقهی و با روشی ضابطه‌مند، بررسی ویژه‌ای صورت گرفته و احکام فقهی آن تنظیم شود.

۴-۴. تدریجی بودن تغییر ماهیت پول

نکته اساسی و ظریف در تغییر ماهیت پول این است که این تغییرات و تحولات پولی، تدریجی بوده است و گویا تغییر ناگهانی این اختراع شگفت‌انگیز، غیرممکن و حتی تغییر تدریجی پول نیز همراه با حوادث دردناک مالی و مشکلات اجتماعی بوده است(بخش فرهنگی جامعه مدرسین، ۱۳۷۵، ص ۴۷). در دورانی طولانی طلا و نقره این دو کالای ارزشمند و کمیاب در تمام جوامع بشری به‌عنوان پول رواج داشته و روزگاری کاغذ پاره‌های رنگی که هیچ ارزش ذاتی ندارند به‌عنوان پول پذیرفته می‌شوند و خلاصه تمام ارزشهای اقتصادی می‌شوند.

هم‌اکنون با پذیرش پول الکترونیک و انجام مبادلات گوناگون داخلی و بین‌المللی به‌وسیله آن، همین کاغذ پاره‌های کوچک هم کم‌کم کنار گذاشته می‌شوند و رفته‌رفته مشخص می‌شود که پول چیزی جز ارزش مبادله‌ای مجسم و قدرت خرید، برای تسهیل مبادلات گوناگون اقتصادی نیست.

۵-۴. علت عدم پذیرش تغییر ماهیت پول

با وجود اینکه پول اعتباری محض به‌عنوان یک موضوع از موضوعات فقهی و حقوقی، ماهیت جدیدی نسبت به پولهای فلزی طلا و نقره دوران صدر اسلام پیدا کرده است و چنانچه در قبل بیان کردیم یک موضوع مستحدثه شمرده می‌شود، عده‌ای از نویسندگان یا جدید بودن آن را قبول ندارند و یا نسبت به پولهای فلزی تغییر چندانی برای آن قائل نیستند. به‌نظر می‌رسد، علت این عدم پذیرش، تغییر تدریجی پول در مدت زمان طولانی است که سبب غفلت از این تغییر ماهیت شده است. در بسیاری از مواقع، اگرچه موضوعات از درون متحول و تغییرات جدید را پذیرا می‌شوند، ولی پوسته خارجی و چهره بیرونی آنها یا دست نخورده باقی می‌ماند و یا دچار دگرگونی‌هایی به‌مراتب محدودتر می‌گردد (مبلغی، ۱۳۸۲، ص ۱۰). تغییر و تحولات پولی مانند تغییرات تدریجی است که در یک منحنی ساده ریاضی صورت می‌گیرد و نکته ظریف و قابل توجه آن، این است که باید نقطه عطف و تمایل جدی در این منحنی را پیدا نموده و مدنظر قرار داد. چنانچه برخی از پژوهشگران تأکید کرده‌اند اسکناس رایج در جوامع فعلی، شکل تکامل‌یافته پول کاغذی اعتباری است که در آغاز به‌وسیله صرافان پدید آمد و در طول زمان به‌صورتی که امروز آن را می‌شناسیم درآمد، ولی در عین حال از نظر ماهیت با آنچه صرافان و تجار و سپس بانکهای خصوصی صادر می‌کردند، بسیار متفاوت است (بخش فرهنگی جامعه مدرسین، ۱۳۷۵، ص ۴۷).

به‌نظر ما، چنانچه در توضیح تاریخچه و مراحل تکامل پول نقل کردیم این نقطه عطف تغییر ماهیت پول، مربوط به مرحله سوم پول کاغذی یعنی قطع کامل ارتباط اسکناس با پول فلزی است. خودداری بانکها از تبدیل اسکناس به فلز گران‌بها، واقعه مهمی بود که سبب تغییر ماهیت اسکناس شد. تا قبل از آن اسکناس به‌عنوان یک سند یا حواله برای دریافت مقدار معینی از پول فلزی محسوب می‌شد؛ اما پس از آن

ماهیتش عوض شد و به یک سند اعتباری با ارزش تبدیل شده و به عنوان یک نوع پول پذیرفته شد و کم کم پولهای فلزی از مبادلات اقتصادی کاملاً خارج شد و اسکناس، دیگر یک رسید یا حواله برای مقدار مشخص از فلز گران بها نبود؛ بلکه یک سند اعتباری با ارزش بود که اوضاع بازار و میزان تغییرات حجم پول می توانست ارزش آن را کم یا زیاد کند (بخش فرهنگی جامعه مدرسین، ۱۳۷۵، ص ۶۵).

آنچه باعث اعتماد به پول کاغذی امروزی شده و آنچه محور تمام مبادلات اقتصادی به وسیله پول است، قدرت خرید و ارزش مبادله ای پول می باشد که باید در تمام معامله هایی که در یک طرف یا دوطرف آن، پول نقش دارد لحاظ شود. چون از همان ابتدای شکل گیری ماهیت پول جدید (سند اعتباری محض)، قدرت خرید نقش اول را در آن داشته است.

۴-۶. ماهیت پول و جمع بندی

پس از بیان تحولات و تغییرات ماهیتی پول و نکات اساسی مربوط به آن می توان تعریف ماهیت پول با معیار پذیرش عمومی^۱ را به صورت زیر ارائه داد:

پول یک شیء (فیزیکی یا غیر فیزیکی) است که بیانگر و حافظ ارزش مبادله ای صرف بوده و وسیله سنجش و واسطه در ارزش گذاری امکانات اقتصادی و مبادلات و نیز وسیله خوبی برای ذخیره ارزش می باشد.

بنابراین در تعریف پول، حفظ ارزش مبادله ای خالص و تداوم آن و قدرت وفای به آن مورد تأکید می باشد (داودی و...، ۱۳۷۴، ص ۱۶). آنچه در این مقاله اثبات شد:

الف. با توجه به بررسی تحلیلی وظایف پول مشخص شد مقدار ذخیره ارزش نیز جزء وظایف پول است؛ ب. در بحث مثلی و قیمی مشخص شد پول اعتباری محض (اسکناس یا هر مصداق دیگری از پول مانند پول الکترونیکی) یک مال مثلی است و مثل آن ارزش مبادله ای و قدرت خرید در زمانی است که مبادله روی آن صورت گرفته است؛

مراد، تعریف قانونی پول نیست، مراد ما تعریف پول با معیار مقبولیت عامه همراه با تکیه بر وظایف آن

ج. در زمان و مکانی که کاهش ارزش پول ادامه و شدت یابد، عرف نسبت به آن واکنش نشان داده و در نوع قراردادهای مالی، به گونه‌ای دیگر عمل می‌کنند؛

د. نظریه ارزش اسمی و نظریه قدرت خرید درباره ماهیت پول را بررسی و به پنج دلیل، نظریه دوم را ترجیح دادیم. بنابراین محور اصلی در پول و عامل رغبت به آن، قدرت خرید آن است؛

ه. در بحث شباهتها و تفاوت‌های پول فعلی با پول دوران گذشته مشخص شد پول اعتباری محض، تفاوت‌های مهمی از جهت پولی با پول قبل از مرحله سوم پول کاغذی (قطع ارتباط اسکناس با پول فلزی گران‌بها) دارد و پول اعتباری محض پدیده‌ای مستحدثه و دارای ماهیتی جدید است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با به میان آمدن یک عامل و متغیر مهم و تأثیرگذار در بسیاری از روابط مالی یعنی کاهش مستمر و شدید ارزش پول، اقوال و نظراتی که برای پول با ماهیت گذشته و حالت ثبات نسبی ارزش پول، نظریه‌پردازی شده‌اند، پاسخ‌گوی واقعیات و نیازهای کنونی نیستند؛ بنابراین لازم است برای بررسی میزان تأثیر این عامل در روابط مختلف مالی و پولی و راه جبران این آثار ناخواسته، نظریه‌پردازی جدید انجام شود؛ در نتیجه با توجه به بحث‌های گذشته می‌توان اظهار داشت، در کنار هم گرفتن دو پدیده باعث ضرورت نگاه نو به موضوع کاهش ارزش پول و احکام فقهی آن می‌باشد. الف. پول امروزی اعتباری محض یعنی صرف اعتبار است و سند رسید یک مقدار معین فلز گران‌بها نیست؛ بنابراین ماهیتی شکننده و جدید یافته و مستحدثه محسوب می‌شود؛

ب. تغییر و تحولات و تصرفاتی می‌تواند سبب کاهش شدید و مستمر ارزش پول شود؛ درحالی‌که مالک پول راضی به این کاهش ارزش و قدرت خرید پول نمی‌باشد؛ از این رو این تصرف، ناروا و برخلاف مسلمات فقهی است. چون این ارزش مبادله‌ای (قدرت خرید) تحت اختیار مالک آن است و آن را طبق یک نقل و انتقال عقلایی و شرعی به دست آورده و طبق قاعده تسلیط (الناس مسلطون علی اموالهم) خواستار بقاء

سلطه (مکارم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۹-۴۲) و حفظ کامل این مقدار ارزش مبادله‌ای است. اما در حالت کاهش ارزش پول -نه گرانی و افزایش قیمت برخی کالاها- آن از دست وی خارج می‌شود.

البته کاهش ارزش پول، لازمه ماهیت و از مشخصه‌های پول نیست؛ بلکه از عوارض و حالات پول است، یعنی می‌تواند وجود داشته یا نداشته باشد و همچنین بنا به عوامل اقتصادی می‌تواند شدید بوده و یا حتی استمرار داشته باشد؛ از این رو لازم است احکام فقهی و حقوقی ویژه‌ای با توجه به منابع فقهی و با تکیه بر اصول و قواعد فقهی برای آن جستجو کرد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود نخست، با توجه به اختلافات فقهی در مورد پول اعتباری، پژوهش‌های بیشتری در مورد پول اعتباری و احکام فقهی آن صورت گیرد و حتی همایش‌های بزرگ علمی متشکل از فضلا و دانشمندان تشکیل شود تا در آینده این اختلاف‌نظرها کمتر و تقریب بین آرای فقهی به وجود آید و عموم مردم که روابط مالی گسترده و روزمره‌ای با همدیگر و با بانکها و مؤسسات مالی دارند و در عین حال از مراجع معظم متعدد تقلید پیروی می‌کنند، بدون دغدغه شرعی به انجام صحیح این نقل و انتقالات مالی که لازمه لاینفک زندگی است بپردازند و سرگشتگی‌های مقلدین تا حد ممکن کم شده و جامعه اسلامی از عملکرد یکنواخت مقبولی در این زمینه برخوردار شود؛ دوم، با توجه به اینکه پیدایش پول الکترونیکی نوعی تحول پولی در اقتصاد امروزی و نسل‌های برتر اقتصاد پولی محسوب می‌شود و با تکمیل فرآیند اعتمادسازی ارکان اقتصادی خرد و کلان به استفاده از این پول، دامنه تحولات آن بیشتر خواهد شد. از این رو مناسب است بزرگان دینی با استفاده از نظرات مشاوران اقتصادی و مالی هوشمند خود، پیامدهای فقهی و حقوقی این پدیده را کاملاً بررسی و جوابهای روشن فقهی برای سؤالات نوظهور در این زمینه ارائه نمایند و مراجع رسمی قانون‌گذاری نیز، قوانین و مقررات لازم را تدوین و مصوب ساخته و مسئولین دولتی نیز آن را به ضمیمه آیین‌نامه‌ها و مقررات لازم اجرا کنند.

سوم، مناسب است متولیان امور پولی کشور با همفکری و همکاری دانشمندان پس از تشکیل هم‌اندیشی‌های لازم، پول دارای ثبات ارزش، گرچه در قالب و شکلی

جدید را احیا کرده و موجبات استقلال جامعه اسلامی از این جهت را نیز فراهم نموده
و ثبات و اطمینان را در تمام روابط مالی سبب شوند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن مجید.
۲. الانصاری، الشیخ مرتضی (۱۴۲۳ق)، کتاب المکاسب، ج ۳، قم، مجمع الفکر الاسلامی، الطبعة السادسة.
۳. بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (۱۳۷۵)، پول و نظامهای پولی به ضمیمه تاریخ پول از آغاز اسلام تا زمان غیبت، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (۱۳۷۵)، پول در نگاه فقه و اقتصاد، مؤسسه فرهنگی اندیشه.
۵. توسلی، محمد اسماعیل (۱۳۸۴)، «بررسی و نقد نظریات برخی از اندیشه‌وران اسلامی درباره ماهیت پول»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۱۹، صص ۱۲۳-۱۵۰.
۶. حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۶۲)، اقتصاد اسلامی، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. الحکیم، سید محسن (۱۳۷۹)، نهج الفقاهه، قم، دارالفقه.
۸. الخرازی، سید محسن (۱۴۲۳)، «الاوراق النقدیه»، مجله فقه اهل البيت، ش ۲۶، صص ۹-۲۸.
۹. خلیلیان اشکذری، محمد جمال (۱۳۸۱)، فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی (بررسی سازگاری و ناسازگاری)، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۰. الخوئی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه فی المعاملات، ج ۲-۳، قم، مؤسسه الانصاریان للطباعة و النشر.
۱۱. داودی، پرویز (۱۳۷۰)، «پول و بانک در اسلام»، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات ارائه شده به دومین سمینار بانکداری اسلامی، تهران، مؤسسه بانکداری اسلامی.
۱۲. داودی، پرویز؛ نظری، حسن؛ میرجلیلی، سید حسین (۱۳۷۴)، پول در اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، تهران، سازمان سمت.
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷-۱۳۴۱)، لغتنامه دهخدا، زیر نظر محمد معین، تهران، دانشگاه تهران.
۱۴. الصدر، سید محمد باقر (۱۴۱۰)، البنك اللاربوی فی الاسلام، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۱۵. الصدر، سید محمد باقر، الاسس العامه للمجتمع فی الاسلام.
۱۶. الطباطبائی (علامه)، السید محمد حسین (۱۳۶۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
۱۷. الطریحی، فخرالدین (۱۹۸۵)، مجمع البحرین، بیروت، دار و مکتبه الهلال.

۱۸. الطوسی، محمدحسن (۱۴۱۲)، *المبسوط فی فقه الامامیه*، بیروت، دارالکتب الاسلامی.
۱۹. العاملی، *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۲۰. قدیری اصل، باقر (۱۳۷۶)، *پول و بانک*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۱. کتابی، احمد (۱۳۶۷)، *توزم ماهیت، علل، آثار و راههای مقابله با آن*، تهران، انتشارات اقبال، چاپ دوم.
۲۲. لویس معلوف (۱۳۶۷)، *المنجد*، تهران، مؤسسه اسماعیلیان.
۲۳. مؤسسه بانکداری اسلامی (۱۳۷۳)، *مجموعه سخنرانیها و مقالات پنجمین سمینار بانکداری اسلامی*، تهران.
۲۴. محقق حلّی، جعفر بن الحسن (۱۴۰۳)، *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، بیروت، دار الاضواء، الطبعة الثانية.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *نظری به نظام اقتصادی اسلام*، تهران، انتشارات صدرا.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۶)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶)، *ریا و بانکداری اسلامی*، قم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۸)، «المسائل المستحدثه النقود الورقیه»، *مجله فقه اهل البيت*، ش ۵ و ۶، صص ۵۹-۸۴.
۲۹. منتظرظهور، محمود (۱۳۵۳)، *اقتصاد (خرد و کلان)*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۳۰. موسائی، میثم (۱۳۸۳)، *ریا و کاهش ارزش پول*، تهران، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
۳۱. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۷۲)، «پول و تورم»، *مجله رهنمون*، ش ۶، صص ۱۰۸-۱۱۶.
۳۲. موسوی خمینی (امام)، روح الله (۱۳۶۸ ش)، *الرسائل*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، الطبعة الثالثة.
۳۳. موسوی خمینی (امام)، روح الله (۱۳۶۳)، *تحریر الوسیله*، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۴. میرجلیلی، سیدحسین (۱۳۸۴)، «جبران ارزش پول؛ نظریه و کاربرد»، *مجله جستارهای اقتصادی*، ش ۴، صص ۳۱-۵۴.
۳۵. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۴)، *اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۳۶. نظری، حسن آقا(۱۳۸۵)، نظریه پردازی اقتصاد اسلامی (امکان نظریه پردازی علمی اقتصاد اسلامی و روش آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت.
۳۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود(۱۴۱۰)، بحوث فی الفقه کتاب الخمس، ج ۲، قم، مکتب السید محمود الهاشمی.
۳۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود(۱۳۷۴)، «احکام فقهی کاهش ارزش پول»، مجله فقه اهل بیت، ش ۲، صص ۵۲-۹۸.
۳۹. یوسفی، احمد علی(۱۳۸۱)، ربا و تورم (بررسی تطبیقی جریان کاهش ارزش پول و تورم)، تهران، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

-۱

پیوست

ضرورت ثبات در وسائل سنجش ارزشهای اقتصادی از نظر قرآن دستکاری کردن در معیارهای سنجش ارزش اقتصادی برخلاف نظام اقتصادی شفاف و عدالتجوی اسلام است. قرآن شریف می‌فرماید: «ولاتبخسوا الناس اشیاءهم» و از اموال مردم (کار، کالا و هر چیز بهادار) چیزی نگاهید (کم بها نکنید). این مفهوم در سه جای قرآن و به دنبال تأکید بر رعایت عدالت در کیل و وزن و درستی و ثبات در سنجش کالاهای اقتصادی آمده است و در هر سه مورد، این‌گونه کم بها کردن را تلویحاً مساوی با افساد در زمین دانسته است.

«روشن است که نفوذ هرگونه خیانت و تقلب در امر معاملات، پایه‌های اطمینان و اعتماد عمومی را که بزرگترین پشتوانه اقتصادی ملت‌هاست متزلزل و ویران می‌سازد و ضایعات غیرقابل جبرانی برای جامعه به بار می‌آورد» (مکارم، ۱۳۵۶، ج ۶، ص ۲۵۰).
لاتبخسوا از ماده «بَخَسَ» گرفته شده است. طریحی در مجمع‌البحرین می‌گوید: قوله تعالی: «وشروه بئمن بخص دراهم» [۱۲/۲۰] ای ناقص ... قوله «ولاتبخسوا الناس اشیاءهم»، ای لاتنقصوهم اشیاءهم (الطریحی، ۱۹۸۹، ج ۴، ص ۵۲). بخص به معنای ناقص کردن و فعل آن دو مفعولی است و به معنای کم کردن و ناقص کردن و کم گزاردن ظالمانه چیزی یا حقی که مربوط به دیگری است می‌باشد و در مورد بحث مورد نظر ما، از فحوای این آیات می‌توان استفاده کرد که کاستن (کم بها کردن) و کم ارزش کردن عمدی پول متعلق به دیگران از طریق تورّم پولی، صحیح نمی‌باشد؛ به‌ویژه آنکه پول، باید پیمانانه و معیار درست و با ثبات سنجش ارزش (قسطاس مستقیم) تمام کالاها

۱ - سوره اعراف، آیه ۸۵، سوره هود آیه ۸۵ و سوره شعراء آیه ۱۸۳؛ متن کامل آیات مربوط

به این موضوع در سوره شعراء: اوفواالکلیل ولاتکونوا من المخرسین؛ و زنوا بالقسطاس المستقیم؛ و لاتبخسوا الناس اشیاءهم ولاتعتوا فی الارض مفسدین.

۲- ترجمه آیه از آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی است.

و خدمات باشد. به عبارت دیگر با توجه به اینکه اقتصاددانان یکی از وظایف مهم پول را وسیله سنجش ارزش بودن می‌دانند (منتظر ظهور، ۱۳۵۳، ص ۴۴۱؛ قدیری اصل، ۱۳۷۶، ص ۱۰۳؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ص ۱۷)

پول مانند ترازویی است که آن را برای اندازه‌گیری و تعیین ارزش تمام امکانات اقتصادی در نظر گرفته‌اند و مورد پذیرش عموم مردم است و مردم به این جهت و به خاطر قدرت خرید پول، به پول اعتماد کرده‌اند. حال اگر ارزش خود پول به‌طور شدید در زمان کوتاهی پایین بیاید در واقع تمام اعتمادها و معیار ارزش‌گذاری‌های اقتصادی بر هم می‌خورد.

این در حالی است که قرآن شریف دستور می‌دهد با ترازوی (وسیله توزین و سنجش ارزشهای اقتصادی) درست و دارای معیار ثابت، سنجش نمایید؛ «وزنوا بالقسطاس المستقیم (۱)»؛ بر هم زدن و کم کردن عمدی ارزش و مالیت پول، به‌منزله دستکاری کردن در این قسطاس (وسیله سنجش) عمومی است که از همه ترازوها و وسایل سنجش، بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، جهت دیگر اهمیت وسیله سنجش بودن پول، این است که دیگر وسایل سنجش و توزین، لازم است در همان لحظه توزین و یا توکیل (کیل کردن) درست و با ثبات باشند.

ولی پول وسیله سنجشی است که هم در همان لحظه معامله با آن باید دارای ثبات و معیار مشخصی باشد و هم در طول زمان، لازم است که ثبات خود را حفظ کند، چون چنانچه گفتیم، پول دارای کارکرد ذخیره ارزش است و مردم به‌جهت این ویژگی و خاصیت پول، معاملات میان‌مدت و درازمدت خود را با پول انجام می‌دهند. بنابراین درستی و ثبات سنجش ارزش در پول از اهمیت بیشتری برخوردار است و می‌توان گفت به‌طریق اولی، مشمول تأکیدات این‌گونه آیات در قرآن کریم است.

عَلَّامَه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه شریفه سوره اعراف با بیان لزوم برقراری امنیت اجتماعی و اطمینان عمومی در معاملات می‌فرماید: این امنیت عمومی (اقتصادی) لازمه استقامت و ادامه حیات اجتماعی انسان است و در صورتی که اجتماع مبتلی به

۱- این آیه شریفه در دو جای قرآن ذکر شده است: سوره اسراء، آیه ۳۵ و سوره شعراء، آیه ۱۸۲

انواع حيله‌ها شود نتیجه آن هلاکت اموال و جانها می‌باشد (طباطبائی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۸۷).

آیه شریفه «وزنوا بالقسطاس المستقیم» یکی از حیاتی‌ترین پایه‌های عدالت و ثبات اقتصادی و اجتماعی را مطرح می‌کند و تأکید می‌نماید چیزی که به‌عنوان ترازو و معیار برای سنجش کالاهای اقتصادی قرار گرفته، لازم است درست بوده و از ثبات کافی برخوردار باشد، متزلزل کردن ارزش پول و کاهش مداوم ارزش آن، نتایج ناعادلانه‌ای مانند آنچه در مقاله بیان شد به بار می‌آورد و می‌توان از لحاظ فقهی آثار آن را بررسی نموده و برای رفع این آثار و تبعات، با توجه به ادله و قواعد فقهی و با روشی ضابطه مند به احکام جدیدی دست یافت.